

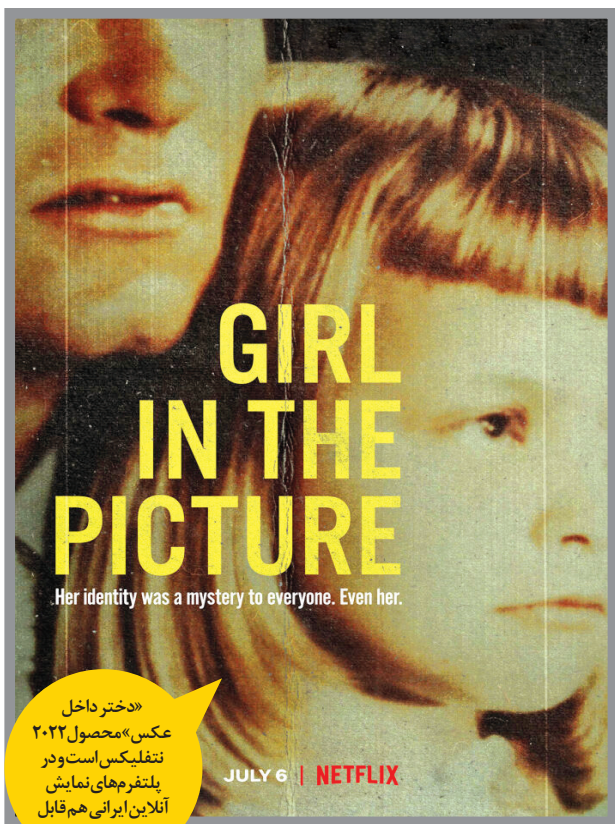


درخشش‌های تیره حقیقت

مستند «دختر داخل عکس» داستان تلخ جنایت و دروغ است

ندازندی

دخترک در آغوش مرد نشسته و به روبرو نگاه می‌کند؛ به جایی خارج از کادر عکس و دور از لنز دوربین؛ لب فروبسته؛ با حالتی مبهم میان قهر و آشتی، اما به‌طور آشکاری غمگین و ترس خورده. از اینکه سوژه عکاس شده بدش می‌آید یا سر خریدن یا نخریدن عروسک دلخواه و بستنی میوه‌ای با پدرش دعوایش شده؟ شاید جای خالی مادر ناراحتش کرده است؟ انگاری چیزهای بیشتری پس آن چشم‌های معصوم و صورت مغموم پنهان است. می‌خواهد چیزی بگوید، اما حرف در گلویش گره خورده. خشکیده و ثابت‌مانده در عکسی که داخلش گرفتار شده. راز او چیست؟ آن مرد کیست؟ و اصلاً این دختر کیست؟



IMDb

7.2/10

Rotten Tomatoes

96%

Runnig Time

102 min.

پرونده باز یک فراری

در سال ۱۹۹۰ بدن نیمه‌جان زنی جوان در کنار اتوبانی در آمریکا پیدا و به بیمارستان منتقل می‌شود. مردی به نام «کلارنس» که شوهر اوست ادعا می‌کند که نام زن «تونیا هیوز» است و آنها پسری به نام «مایکل» دارند. با شروع کار پزشکان، علاوه بر ضربه شدید به سر، کبودی‌ها و جراحات‌های قدیمی روی بدن زن نیز آشکار می‌شود و سرانجام او در بیمارستان جان می‌دهد؛ درحالی‌که فقط ۲۰ سال از عمرش گذشته. پلیس که گمان می‌کند با یک سانحه رانندگی طرف است، از دستگیری کلارنس و ادامه تحقیقات اجتناب می‌کند، بی‌خبر از آنکه پرونده‌ای بسیار پیچیده پیش‌رو دارد؛ پرونده‌ای که قرار است سال‌ها روی میز باقی بماند و بارها و بارها آنها را در یافتن حقیقت ناامید کند. به‌زودی، سرپرستی مایکل دو ساله به خانواده دیگری داده می‌شود تا خاطرات شیرینی در کنار هم خلق کنند. اما این روزهای خوب قرار نیست دوام زیادی داشته باشد. کلارنس در تمام مدت تلاش می‌کند تا مایکل را پیش خود بازگرداند و با تلاش بسیار حق ملاقات می‌گیرد. سرانجام تست دی‌ان‌ای نشان می‌دهد که کلارنس هیچ رابطه بیولوژیکی با مایکل ندارد و تمام ادعاهای او مبنی بر رابطه پدر و فرزند دروغ است. ملاقات‌ها قطع می‌شود. در سال ۱۹۹۴ کلارنس، مایکل را می‌دزدد. عملیات جست‌وجو برای یافتن مایکل شروع می‌شود. پلیس در جریان تحقیقات جدید متوجه می‌شود کلارنس هیوز نام غیرواقعی مردی به نام فرانکلین دلانو فلویید است؛ مردی با نام‌های مستعار بسیار، سابقه کیفری و در واقع یک فراری.

رازهای سر به مهر

با گم شدن مایکل و به‌دست آمدن اطلاعاتی تازه از زندگی فلویید، پرونده تونیا هم به جریان می‌افتد و احتمال قتل او به‌دست فلویید قوت می‌گیرد. با انتشار تصاویر او و مایکل از تلویزیون، پای دوستان قدیمی مقتول جوان به اداره پلیس باز می‌شود. اما آنها معتقدند پلیس مسیر را اشتباه رفته و نام دختر جوان چیز دیگری است. از سوی دیگر، تلاش‌ها برای یافتن مایکل بی‌فایده است و پرونده به کندی پیش می‌رود. تحقیقات بی‌نتیجه است، فلویید اعتراف نمی‌کند و پلیس در باتلاق سوالات بی‌جواب گیر افتاده است. هویت دقیق مظنون، مقتول و گمشده همگی مبهم است. در نهایت پلیس به موفقیت‌هایی دست می‌یابد اما کشف هویت دخترک جوان که سال‌ها با بی‌شمار دروغ زندگی کرده برای سالیان طولانی همچون معمایی بی‌پاسخ باقی می‌ماند. با زلی با تکه‌های پراکنده، جدولی لاینحل. این زن کیست؟ چه نسبتی با قاتل دارد و سر نوشت مایکل چه خواهد شد؟ شاید کلید کشف حقیقت در یک عکس نهفته باشد. عکس دختری کوچک که در آغوش مردی نشسته است، با چشمانی مغموم و نگاهی که هیچ نیست جز تمنای کمک.

مستند جنایی و عواطف انسانی

اسکای بورگمن که پیش‌تر با مستندهای جنایی «برنده‌شده در پلیس سایت» (۲۰۲۱) و «مرد در خواب» (۲۰۱۷) مهارتش را در روایت پرونده‌های جنایی و رازآلود اثبات کرده، در «دختر داخل عکس» بار دیگر نشان می‌دهد که چطور یک داستان مبهم و تلخ می‌تواند به مستندی جذاب و پرکشش بدل شود و بیننده‌های بسیاری را تا پایان فیلم با خود همراه کند. او در ساخت این فیلم از کتاب «یک بچه زیبا» و «یافتن شارون» نوشته مت پرکین بهره‌برده و ناگفته نماند که خود این نویسنده از تهیه‌کنندگان فیلم است. بورگمن در این مستند مسیر ناهموار کشف واقعیت را به دستمایه‌ای برای پروراندن روایتی پیچیده و پرکشش بدل می‌کند تا جایی که فرقی ندارد کجای این کره خاکی به تماشای مستند نشسته باشیم؛ همه ما می‌خواهیم بدانیم «دختر داخل عکس» کیست و در زندگی چه بر او گذشته است؟ قضاوت‌ها و برداشت‌های مصاحبه‌شوندگان، قضاوت‌ها و برداشت‌های ماست و حسرت آنها در غفلت‌هایی که به از دست رفتن چندین زندگی منجر شده، حسرت ماست.



تماشاگر مخوف

مستند تحسین شده «پروژه ازدواج» شما را به فکر فرومی‌برد

حمید همایون

آدم‌ها چقدر به ازدواج کردن نیاز دارند؟ آدم‌هایی که از دواج می‌کنند یا خواهان ازدواج هستند، باید دارای چه ویژگی‌های روانی‌ای باشند؟ فردی که دچار مشکلات اعصاب و روان است، چطور از پس بده‌بستان عاطفی با دیگری برمی‌آید و چطور می‌تواند تنش‌های موجود در یک رابطه احساسی را پشت سر بگذارد؟ آیا فردی که از نظر روانی دچار مشکل است، قادر به ازدواج هست؟ مستند «پروژه ازدواج» ساخته عطیه حسام‌زاده و حسام اسلامی اگر نگوئیم که به این سوالات جواب دقیقی می‌دهد، دست کم بیننده‌اش را در موقعیتی قرار می‌دهد که با این پرسش‌ها مواجه شود و جز اینکه درباره دیگران قضاوت می‌کند، نیازها و خواست‌هایش از ازدواج را مورد بازنگری قرار دهد و حتی سلامت روان خودش را در مقایسه با شخصیت‌های فیلم محک بزند؟

«پروژه ازدواج» به موضوع ازدواج بیماران یک مرکز نگهداری از بیماران اعصاب و روان می‌پردازد. در این مؤسسه پیشنهاد ازدواج بیماران اعصاب و روان با یکدیگر مطرح می‌شود و مستندسازان که از قبل با این مرکز آشنایی داشته‌اند، این آزمایش را فرصت خوبی برای بیان وجوه انسانی و اجتماعی و اخلاقی موضوع ازدواج می‌بینند. پس فراموش نکنید که پیشنهاد ازدواج بیماران با یکدیگر را مستندسازان مطرح نکرده‌اند و آنها تنها از این موقعیت برای ساخت مستندشان بهره‌برده‌اند. اما این چیزی از اعتبار کار آنها نمی‌کاهد؛ چون مستندساز خوب، به‌اصطلاح، سوژه خوب را بو می‌کشد و تشخیص می‌دهد چه سوژه‌ای برای بیان چه عمقی از موضوع به‌کار می‌آید.

آزمایش‌های روانشناسی مشهور مثل میلگرام یا زندان استنفورد جنبه‌های مخوف و پنهانی اما عادی و مغفول روان آدمی را مورد بررسی قرار می‌دهند. در اینجا هم بیمارانی که قرار است مورد آزمایش قرار بگیرند، با طرح مخالفت یا موافقت‌شان با ایده ازدواج، درونیات‌شان را درباره موضوعی عادی که برای آنها غیرعادی فرض می‌شود آشکار می‌کنند و این فرصت را به مخاطب می‌دهند که از خلال حرف‌ها و مخالفت‌ها و موافقت‌های آنها از زاویه جدیدی به ازدواج فکر کند. اما آن چیز مخوف در حرف‌ها و احساسات آنها یا مخالفت و موافقت‌شان با ازدواج نیست؛ مخوف شرایطی است که به طرد این آدم‌ها منجر شده و از جایی به بعد این فرض را به همه قبولانده که نیازی به شنیدن حرف آنها نیست. بیننده‌ای که به‌دوروبر خود کاملاً بی‌اعتناست و برای این بی‌اعتنایی دلاپی در آستین دارد که بیشتر منفعت‌طلبی او را هویدا می‌کند، با دیدن این مستند و شنیدن استدلال‌های بیماران اعصاب و روان و دیدن حس و حال سرکوب‌شده کاملاً انسانی آنها باید در سلامت روان خودش تردید کند و در خودش دقیق شود که چطور این چنین از آدم‌ها و احساسات واقعی‌شان منتزع شده و دور افتاده است. این شاید مهم‌ترین دستاورد این مستند و آن آزمایش باشد.

